

ظفر خان احسن، حاکم کشمیر و شاعرِ پارسی‌گوی

علی رضا خان*

ظفر خان المتخلص به «احسن» سده یازدهم هجری در هند متولد شده بود پسر خواجه ابوالحسن تربتی ملقب به رکن السلطنت بود که در عهد اکبر شاه از خراسان به هندوستان آمده بود و به وزارت شاهزاده دانیال، دیوانی دکن منصوب شد. در پادشاه‌نامه خواجه ابوالحسن را بنده معتمد قدیم الخدمت می‌گرداند:

”چون جهانگیر بر سریر سلطنت جلوس کرد خواجه را از دکن به حضور طلب فرمود و به عهده میربخشی فایز گردانید، آخر به حسن عقیدت و خدمت‌گزاری به پایه والای دیوانی کل و منصب پنج‌هزاری حضرت شاهنشاهی مفتخر گشت“^۱.

نام اصلی ظفر خان، احسن الله است. به سبب این که او نام و خطاب خود را در پایان دیوان نسخ خطی خود به این‌طور نوشته است:

”راقمه احسن الله خان بن ابوالحسن المخاطب به «ظفر خان»“^۲.

درباره ظفر خان احسن، محمد افضل سرخوش کشمیری در کلمات الشعرا ضبط تحریر آورده است:

”خلف رکن السلطنت خواجه ابوالحسن تربتی صاحب طبع عالی بود دیوانی رنگین با مثنوی پرمضامین ترتیب داده اکثر به صاحب صوبگی کابل و کشمیر

* دانشجوی دکتری دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. ملّا عبدالحمید لاهوری، پادشاه‌نامه، ج ۱، ص ۴۷۳.

۲. دیوان ظفر خان احسن (خطی)، شماره ۶۶۴، کتابخانه بانکی پور، پتنا، برگ ۲۲۹ (به حواله ظفر خان احسن، ص ۲۰).

عشرت اندوزی داشت، وقتی که ناظم کابل بود میرزا محمد علی صائب تبریزی به شوق دریافت صحبتش از ایران آمده مدت‌ها گذرانید. خان قدردان

در بزم تیموریه ذکر شده است صائب هم در نتیجهٔ اکرام و نوازش ظفر خان از دل و جان مدح او می‌گفت و وی را در کرامت و شجاعت بر نامورترین سرداران هند ترجیح می‌نهاد.

در احوال پروازیش سعی موفوره بجا آورده به انواع مراحم و الطاف پیش می‌آمدند. تذکرهٔ اشعار شعرای کامل که با وی ربط آشنایی داشتند مثل صائب و کلیم و سلیم و قدسی و سالک قزوینی و میر دانش و میر صیدی و غیره که در آن زمان کوس سخنوری می‌نواختند انتخاب هر کدام به‌خطّ او نویسانیده بر پشت سر ورق صورت آن معنی‌سنج ترتیب

نموده. یک ورق که برو تصویر کلیم بود فقیر دیده‌ام^۱.

ظفر خان احسن از حکیم رکن‌الدین مسعود طالب آملی و نقی احمد نادم گیلانی درس گرفت و به‌علاوهٔ آن از خالوی خود میرزا سلطان محمود مشق خط یاد گرفته و در شاعری از صائب تبریزی استفاده کرده است. ظفر خان بر مدح صائب و صائب بر شاگردی ظفر خان افتخار می‌کردند. در بزم تیموریه ذکر شده است صائب هم در نتیجهٔ اکرام و نوازش ظفر خان از دل و جان مدح او می‌گفت و وی را در کرامت و شجاعت بر نامورترین سرداران هند ترجیح می‌نهاد:

خان‌خانان را به‌بزم و رزم صائب دیده‌ام

در سخا و در شجاعت چون ظفر خان تو نیست^۲

ظفر خان خود در عهد شاهجهان دوبار به‌منصب صوبه‌داری کشمیر رسیده بود و صائب تبریزی به‌دعوت وی به کابل و هند آمده بود خود از شاعران چیره‌دستی بود که بارها در اشعارش یاد کشمیر را تازه می‌کرد. وی در دوران امارتش در کشمیر که

۱. سرخوش کشمیری: محمد افضل: کلمات‌الشعرا (خطّی)، مرکز تحقیقات فارسی، ورق ۲ ب و ۳ الف.

۲. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: بزم تیموریه، مطبع معارف اعظم‌گره، سال چاپ ۱۹۹۱ م، ج ۲، ص ۲۱۱.

بار اول هشت سال از ۱۰۴۳ تا ۱۰۵۱ هجری و بار دوم چهار سال از ۱۰۵۳ تا ۱۰۵۷ هجری به طول انجامید با شاعران بزرگ ایرانی چون قدسی مشهدی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی، سالک یزدی، سالک قزوینی و... مجالس مشاعره داشت.

ظفر خان احسن یکی از معروفترین حکمران کشمیر عهد شاهجهان خود شعر می‌سرود در وصف کشمیر چنین گوید:

کشمیر مگر رشک پریخانه چین است القصه بهستی است که بر روی زمین است^۱
وی هنگامی که از کشمیر دور بود و در پایتخت شاهجهان به سر می‌برد در فرقت

کشمیر چنین می‌سرود:

در هند نظاره بتانم بگداخت وز آتش عشق استخوانم بگداخت
تنها نه مرا فرقت کشمیر بسوخت از گرمی هند چشم و جانم بگداخت
وی درباره کشمیر و خراسان که خود از آن سرزمین است می‌گوید:
الهی تا بود کشمیر آباد ز گلزار خراسانم، مده یاد

و در جای دیگر می‌گوید:

به هر کس هرچه خواهی، بی‌سخن ده مرا کشمیر و، بلبیل را چمن ده
ایشان مدتی هم صوبه دار کابل بوده است و گاه در اشعارش کابل را به کشمیر حتی
ترجیح می‌دهد:

گرچه احسن گلشن کشمیر رشک جنت است

مرغ روح من به شوق باغ کابل می‌پرد

یا در غزل دیگر چون از دست برخی کشمیریان به تنگ می‌آید، می‌گوید:
کنون کارت فتاده با زبان نافهم کشمیری فغان احسن که قدر اهل کابل را ندانستی
اگرچه در بسیاری جاها نیز در وصف کشمیر و مردمان مهربانش سخنان فراوان نیز
دارد:

هزاران ناز ای کشمیر بر باغ جنان داری که در فصل خزان جوش بهار زعفران داری

احسن درباره فصل بهار کشمیر می‌سراید:

خوشا کشمیر و فصل نوبهارش خوشا کشمیر و کشت لاله‌زارش

۱. شیروانی، دکتر ریاض‌الدین احمد: غنی کشمیر، ص ۱۷.

چو کشمیر انتخاب هشت جنت بهار اینجا کمر بسته به خدمت
 چنین گلشن ندیده چشم اختر بود خلدش پدر فردوس مادر
 بهار آمد گلستان را جوان کرد و گر امروز عشرت می توان کرد^۱
 مناظر طبعی، گل و بلبل و آب و هوای کشمیر در قلب احسن اثر کرده و درباره
 باغات کشمیر چنین سروده است:

درو دل گلستان بی شمار است که هر یک آب روی صد بهار است
 یکی ز آن بوستان ها نور افزاست که جنت را به خوبی رشک فرماست
 چو باغ عیش آباد ارم نیست ازو گلزار شاه آباد کم نیست
 به باغی بلبلم شد نغمه پرداز که برگ عیش آنجا می شود ساز
 ز نام او سخن را می دهم بخش فرح بخش و فرح بخش و فرح بخش
 ز فیض خود چو جنت داده بخشش شهشه نام کرده فیض بخشش اش
 خوشا گلگشت باغ افضل آباد که از سیرش دل از غم گشت آزاد^۲

شهر سرینگر در میان دو کوه بلند قرار دارد و باغ و بوستان زیبا در آنجا فراوان
 است. در وسط شهر دریاچه ای است زیبا به نام دل (Dal) که رباینده دل و جان بینندگان
 است. ظفر خان احسن در وصف گلستان دل این ابیات را سروده است:

ز سیر دل، دل و جان تازه گردد به ساغر عهد و پیمان تازه گردد
 گلستان زیر آبش بی شمار است مگر آبش نقاب نو بهار است
 ز گلها روی دل رشک جنان شد به شوقش مرغ آبی می توان شد
 چنان رنگین نموده روی دل را که دارد داغ گل های کول را^۳

ظفر خان احسن در مثنوی «هفت منزل» خود حدوداً ۷۰۰ بیت در وصف کشمیر از
 گل و گلزار و کوه و دشت و رود و زعفران زار دارد. و به این بیت آغاز می کند:

شهنشاه جهان نقد جهانگیر سلیمان وار چون بر تخت کشمیر
 شد از ابر عدالت سایه گستر جهان خوابیده در گهواره زر^۴

۱. کلیات ظفر خان احسن، نسخه خطی در کتابخانه خدابخش پتنا، ورق ۳. (به حواله ظفر خان احسن، ص ۴۱).

۲. کلیات ظفر خان احسن، نسخه خطی در کتابخانه خدابخش پتنا، ورق ۳. (به حواله ظفر خان احسن، ص ۴۲).

۳. اسلم خان، دکتر محمد: ظفر خان احسن، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۹۲.

ظفر خان احسن بسیار شوق و اشتیاق و علاقه به باغات داشت. او چهار باغ در

محلّه‌های مختلف کشمیر بنا ساخته.

باغ اول: باغِ ظفرآباد در محلّه سرمه‌دار
سرینگر. درباره باغِ ظفرآباد این‌طور سروده
است:

ظفر خان احسن از حکیم رکن‌الدین
مسعود طالب آملی و نقی احمد نادم
گیلانی درس گرفت و به‌علاوه آن از
خالوی خود میرزا سلطان محمود
مشق خط یادگرفته و در شاعری از
صائب تبریزی استفاده کرده است.

ظفرآباد ما کم از جنان نیست
چنین پرفیض باغی در جهان نیست^۱
باغ دوم: باغ گلشن در محلّه بوته کدل.
درباره باغ گلشن این بیت گفته است:
چگویییم از ظفرآباد و گلشن ظفرش

که این چنین دو خلف در کنار کشمیر است^۲

باغ سوم: باغ عنایت متصل زیارت سید همدانی؛

باغ چهارم: باغ حُسن‌آباد در محلّه حُسن‌آباد واقع است. درختهای مختلف گل‌ها
و میوه‌دارها از ممالک دور و دراز آورده و در این باغ‌ها در زمین قرار داده شده بود.^۳
درباره باغِ حسن‌آباد این‌طور توصیف می‌کند:

یکی از باغ‌ها باغ الهی است که رضوان را ز رشکش چهره گاهی است
حسن‌آباد ز آنها هست ممتاز گلش در دلربایی شوخ و طنز^۴
مؤلف ملخص شاهجهان‌نامه عنایت خان متخلص به «آشنا»، تذکر باغ‌های کشمیر
کرده است که پدرش (ظفر خان احسن) در کشمیر باغ‌های بنا ساخته بود و شاهجهان پادشاه
آن باغ‌ها را نظاره کرده بود، می‌نویسد:

۱. کلیات ظفر خان احسن، نسخه خطی در کتابخانه خدابخش پتنا، ورق ۱۱-۱۰. (به‌حواله ظفر خان احسن، ص ۴۲).

۲. اسلم خان، دکتر محمد: ظفر خان احسن، ص ۱۵۵.

۳. ظهورالحسن، قاضی: نگارستان کشمیر، ص ۲۰۱.

۴. کلیات ظفر خان احسن، نسخه خطی در کتابخانه خدابخش پتنا، ورق ۱۱-۱۰. (به‌حواله ظفر خان احسن، ص ۴۲).

”باغ ظفرآباد که والد راقم این ملخص (شاهجهاننامه) برکنار تالاب جدییل مشرف بر جلکای عیدگاه تصرف سه لک روپیه در عرض دوازده سال صوبه‌داری دوباره کشمیر ساخته. باغ حُسن‌آباد که آن نیز محدثات والد راقم است؛ باغ فیروز خان خواجه‌سرا؛ ناظر محل؛ باغ یعقوب (خان)، والی دوّم کشمیر؛ باغ خدمت خان خواجه‌سرا؛ باغ صفاپور که آبش از روشنی و صفا با وجود بسیاری عمق ته‌نماست، احداث یافته صفاپور از جاهای مقرری کشمیر است و در سیرگه‌هایی که نزدیک شهر واقع است، به‌حسب دلگشایی و ارتفاع مکان و خصوصیت تالاب امتیاز تمام دارد.

دیگر از منزهات کشمیر باغات جزایر ریشیان است که در بهت واقع شده و بهترین آن جزیره گنگا ریشی است و آن باغی است بی‌دیوار که به‌بستان طرازی قدرت باری تعالی پرورش یافته...“^۱

جای دیگر می‌نویسد:

”غرة ربیع‌الاول (۱۰۵۵ هـ) موافق نهم اردیبهشت (۲۷ آوریل ۱۶۴۵ م) که ساعت مختار بود رایات جهانگشا به‌مبارکی داخل دولتخانه کشمیر گردید. هشتم این ماه (۴ مه ۱۶۴۵ م) به‌ظفرآباد باغ والد این روزنامه‌چۀ به‌روزی و بختیار تشریف بردند و چون صوبه‌داری کشمیر به‌والد متعلق بود، والد از تحف و نوادر آن ولایت پیشکش شایسته به‌نظر درآورد... و برای آن به‌رضامندی رعایا و سکنه آن دیار از حُسن سلوک والد معلوم رأی عالم آرا گردید بود... منصب والد را به‌اضافه یک هزار سوار سه‌هزاری ذات و سوار گردانیدند“^۲.

ظفر خان احسن علاوه بر صوبه‌داری کشمیر، برای مدت کوتاه چندین سال صوبه‌دار تهته، کابل و سند هم بود.^۳

۱. آشنا، میرزا محمد طاهر خان: ملخص شاهجهاننامه، تصحیح و مقدمه دکتر جمیل الرحمن، ص ۱۸۹.

۲. همان، ص ۳۹۸.

۳. اسلم خان، دکتر محمد: ظفر خان احسن، ص ۳۸-۴۵.

ظفر خان خود شاعر بود و دیوانش مشتمل بر دو هزار بیت است، وی که به تربیت و پرورش شعرا همّت گماشته بود. میرزا محمد علی صائب تبریزی (متولد حدود ۱۰۰۷ و متوفی ۱۰۸۱ هـ) در سال ۱۰۳۴ هجری به دعوت ظفر خان صوبه دار کابل به کابل آمد. بعد که ظفر خان مأموریتش تمام شد و به اکبرآباد رفت صائب را هم همراه خود به آنجا آورد و به شاهجهان معرفی کرد و شاهجهان از ملاقات او بسیار خوشنود شد. بعداً شاهجهان به دکن لشکر می‌کشید و صائب هم همراه ظفر خان به دکن و برهانپور می‌رود و بعد مأموریت کشمیر نصیبش می‌شود و صائب هم همراه اوست تا آنکه پدر صائب به طلب فرزند به هند می‌رسد. صائب به محبت پدر از ظفر خان احسن برای رفتن ایران مرخصی خواست و این موقع قصیده‌ای در مدح ظفر خان احسن نوشت:

دارم امید رخصتی از آستان تو ای آستانت کعبه امید روزگار
مقصود او ز آمدنش بردن من است لب را به حرف رخصت من کن دگر نثار
با جبهه کشاده‌تر از آفتاب صبح دست دعا به بدرقه راه من برآر^۱

در زمان اقامت ظفر خان در کشمیر تمام شعرای معروف وقت مانند: صائب و کلیم و قدسی و غنی و دانش را جمع کرده بود و شعرا را پرورش می‌داد. مختصر این که از جمله کسانی که در کشمیر به پیشرفت و توسعه زبان و ادبیات فارسی کمک بزرگی کرده‌اند ظفر خان احسن است.

منابع

۱. آشنا، میرزا محمد طاهر خان پسر ظفر خان احسن (م: ۱۰۷۷ یا ۱۰۸۱ هـ)، ملخص شاهجهان‌نامه، تصحیح و مقدمه دکتر جمیل‌الرحمن، چاپ مرکز تحقیقات فارسی، دهلی‌نو، سال چاپ ۲۰۰۹ م.
۲. احسن تربتی، ظفر خان: دیوان احسن خان (خطی)، شماره ۶۶۴، کتابخانه بانکی پور، پتنا.
۳. اسلم خان، دکتر محمد: ظفر خان احسن، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی، دهلی، ۱۹۶۸ م.
۴. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات‌الشعرا (خطی)، شماره ۲۳۵، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.

۱. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: بزم تیموریه، مطبع معارف اعظم‌گره، سال چاپ ۱۹۹۱ م، ج ۲، ص ۲۰۵.

۵. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات الشعرا (تألیف: ۱۱۰۸-۱۰۹۳ هـ)، مرتبه محمد حسین محوی لکهنوی، دانشگاه مدراس، ۱۹۵۱ م.
۶. شیروانی، دکتر ریاض الدین احمد: غنی کشمیر، چاپ آکادمی فرهنگ و هنر و زبان در سرینگر.
۷. صباح الدین عبدالرحمن، سید: بزم تیموریه، مطبع معارف اعظم گره، سال چاپ ۱۹۹۱ م.
۸. ظهورالحسن، قاضی: نگارستان کشمیر، جید برقی پریس، دهلی، ۱۳۵۳ هـ/۱۹۳۴ م.